



اگر شهادت و اسارت نبود الان نه تنها تشیع، بلکه اسلام هم نبود

آیت الله مظاهری از درس اخلاق اخیر خود مطالبی بیان کرده که متن آن برای علاقه مندان در پی می آید.

آیت الله مظاهری گفت: اگر شهادت و اسارت نبود، الان نه تنها تشیع، بلکه اسلام نبود و به قول امام حسین: «وَعَلَى الْإِسْلَامِ السَّلَامُ».

به گزارش خبرگزاری مهر، آیت الله مظاهری از درس اخلاق اخیر خود مطالبی بیان کرده که متن آن برای علاقه مندان در پی می آید.

قبل از اینکه وارد بحث شوم، مجبورم زنگ خطری بزنم و ان شاء الله توجّهی در جلسه پیدا شود، توسّلی به امام حسین(ع) پیدا شود و ان شاء الله این خطر به طور کلی نابود شود.

قضیه داعشی‌ها که صهیونیسم و امریکا روی کار کرده بودند، تا حال قضیه تروریسم بود، یعنی افراد خشن و بی‌معنایی مسلط شده بودند بر سر اسلام عزیز و مثلاً در شهری می‌ریختند و آن شهر را قتل عام و غارت می‌کردند و کارهای خشنی که کم واقع شده است، واقع می‌کردند. اما همه به نام تروریسم بود، یعنی آدم‌های خشن و بی‌معنا و مظلوم کش.

صهیونیست‌ها و امریکائی‌ها و غربی‌ها دیدند پیشرفت نداشت و تقریباً نزدیک بود این داعشی‌ها در سوریه و مخصوصاً در عراق نابود شوند، مخصوصاً با آن فتوای خوب مرجع تقلید و آن تبلیغات خوب ایران عزیز و نظام عزیز جمهوری اسلامی. اما مدتی است که خیلی سر و صدا پیدا کرده و قضیه داعش برگشته به قضیه سنی و شیعه و اختلاف بین سنی و شیعه.

غربی‌ها بلدند مخصوصاً صهیونیست‌ها شعارهایی دهند که آن شعارها خیلی کار کند و این قضیه اختلاف سنی و شیعه موجب شده است داعشی‌ها پیروزی چشمگیری در سوریه و عراق پیدا کردند. یعنی مثلاً موصلی‌ها و انباری‌های سنی را در میان داعشی‌ها آوردند. مسلمان است و مملکتش نابود می‌شود، اما سنی و شیعه را بر آن کردند که از داعشی‌ها طرفداری کنند. لذا الان قضیه عراق و سوریه و همچنین قضیه سعودی‌ها و یمن. قضیه برگشته به قضیه دیگری که مسلمان‌ها را به جان هم انداختند و کشت و کشتار قرّبه الی الله می‌کنند و قتل عام‌ها بین سنی و شیعه راه انداختند.

هیچ احتمال نمی‌دادیم که انبار سقوط کند، زیرا آستان مهمی در عراق است، اما سقوط کرده است. داعشی‌ها تا سی کیلومتری بغداد آمدند. تصمیم نابودی کربلا و نجف گرفتند اما به عنوان تروریسم نیامدند، بلکه به عنوان سنی و شیعه آمدند و سنی‌های عراق هم بنا کردند که کوتاه بیایند و از جبهه فرار کنند. کم‌کم کار رسیده به آنجا که سنی‌های عراق با بعثی‌های خشن که هشت سال چه مصائبی برای ما جلو آوردند، همکاری کنند و مصیبت خیلی بزرگ است.

قضیه سعودی‌ها با یمن الان چنین شده است. داعشی‌ها خیلی می‌خواهند به آنجا روند به طرفداری سعودی‌ها برای کشتن شیعه‌ها. لذا القاعده که از سعودی‌هاست در آنجا به عنوان سنی و شیعه کار می‌کنند. خدا نکند پیروزی برای سعودی‌ها در یمن پیدا شود، زیرا مصیبت خیلی بالا و بزرگ می‌شود. لذا ما باید بگوییم امشب شب عید نداریم. امریکائی‌ها و صهیونیست‌ها و غربی‌ها مخصوصاً فرانسه و انگلیس عید ما را عزا کرده‌اند و مسلمان‌ها را به جان هم انداختند. ما خیلی خوشحال بودیم که الحمدلله در عراق داعشی‌ها کم‌کم نابود می‌شوند و همین‌طور هم بودند.

لشکر مجهز مردمی جلو آمده است اما الان این از بین رفته و خیلی ضعیف شده است. مسلمان‌های سنی خیلی بی‌تفاوت شده‌اند در حالی که دسته جمعی خود آنها را می‌کشند، اما باز بی‌تفاوت شده‌اند به عنوان سنی و شیعه. لذا من از همه شما تقاضا دارم امشب توسّلی به امام حسین(ع) پیدا کنید برای اینکه این قضیه بغرنج حل شود. زنگ خطر بزنم اینکه بدانید بزرگان هم خیلی از قضیه ناراحت هستند، هم روحانیت عراق مخصوصاً حضرت آیت الله آقای سیستانی خیلی ناراحت است و برایش خیلی مشکل شده است.

در ایران هم روحانیت و مراجع و مقام معظم رهبری از این قضیه خیلی ناراحتند. مسلمان‌کشی به دست مسلمان شده است و مسلمان‌ها به جان هم افتادند به عنوان سنی و شیعه. لذا چاره‌ای هم نیست و توسل می‌خواهد. اگر مسلمان به جان مسلمان بیفتد، توپ و تفنگ نمی‌تواند کار کند. در آن هشت سال دفاع مقدس این‌طور بود که بعضی اوقات یک ضعف حسابی برای بسیجی‌ها پیدا می‌شد و آنها با یک زیارت عاشورا مسئله را حل می‌کردند و با نماز شب در قرارگاه‌ها و سنگرها و با گریه و زاری‌ها و با رمز یازهرا و رمز یاحسین جلو می‌رفتند و مشکل را حل می‌کردند.

در آن هشت سال دفاع مقدس این توسل‌ها زیاد شد و پیروزی‌ها مرهون توسل‌های بسیجی‌هاست. البته بسیجی‌ها کار می‌کردند اما این توسل را داشتند. این سه شب خیلی مهم است و یک شب مربوط به امام حسین و یک شب مربوط به حضرت ابافضل و یک شب مربوط به امام سجاد است و هر سه باب الحوائج هستند، مخصوصاً برای اینگونه کارهای انقلابی. چون با انقلاب این سه، تشیع جان گرفت و با انقلاب این سه بزرگوار، تشیعی که در خطر نابودی بود، الحمدلله به اوج خوبی رسید، لذا در این دو سه شب، دعا و توسل داشته باشید. حوائج خود را کنار بگذارید و ان شاء الله حل می‌شود. از گرفتاری‌های خودتان صرف نظر کنید، ان شاء الله به تبع اینکه می‌گوییم آنها حل می‌شود و همه هم و غم شما اسلام عزیز باشد، که امریکائی‌ها

نتوانستند هیچ کار کنند.

در هشت سال دفاع مقدس نتوانستند هیچ غلطی بکنند و کم‌کم فساد اخلاقی آوردند و فساد اخلاقی آنها موفق بود اما اینکه می‌خواستند تشیع نابود شود، نتوانستند کار کنند. داعشی‌ها و نظیر داعشی‌ها را آوردند و نتوانستند کار کنند و اکنون برنامه‌ریزی کرده‌اند خود مسلمان‌ها را به جان مسلمان‌ها بیندازند و این کار شده است و تضعیف اسلام عزیز شده است و همه را ناراحت کرده است. امام حسین ان‌شاءالله نظر لطفی کنند و امری به حضرت ابالفضل کنند و حضرت ابالفضل نگاه غضب‌آلودی به این برنامه کند و این برنامه رفع شود و پیروزی برای تشیع شود. ان‌شاءالله

آقا امام حسین خیلی خدمت به اسلام عزیز کردند. خود امام حسین وقتی می‌خواستند حرکت کنند، فرمودند اگر قیام نکنم: «وَعَلَى الْإِسْلَامِ السَّلَامُ» [۱] اسلام نابود می‌شود. آنوقت همینطور بود. معاویه چهل سال کار کرد برای اینکه اسلام را نابود کند که راوی می‌گوید رفتم در خلوت پیش معاویه و دیدم غم و غصه دارد و گفتم معاویه تو که هرکاری خواستی کردی پس این غم و غصه‌ها چیست! اتفاقاً موقع اذان بود و مؤذن گفت اشهد ان لا اله الا الله. معاویه گفت تا این اسم بلند است، ناراحت و وقتی بتوانم این اسم را نابود کنم، شاد می‌شوم. [۲] تصمیم این بود و این قیام امام حسین(ع) این تصمیم را نابود کرد. لذا امام حسین(ع) خیلی کار کردند. اسارت نیز خیلی کار کرد. البته اسارت برای اهل‌بیت خیلی مشکل بود و این اسارت برای بزرگان بالاتر از شهادت بود و خیلی مشکل بود، البته نتیجه‌اش دوش به دوش شهادت است و اگر بیشتر نباشد، کمتر نیست. اما علی کل حال اسارت خیلی بالا بود.

اسرا را با زینب مظلومه وارد جلسه ابن زیاد کردند و چادر را از سر حضرت زینب برده بودند و ایشان بی‌چادر بودند. در آنجا دارد که با آستین مبارک صورت را پوشاندند. مصیبت خوان در مقابل مرحوم آیت الله میرزای شیرازی، کسی که تحریم تنباکو کرد، این روضه را می‌خواند. ناگهان این مرد بزرگ بنا کرد بلند بلند گریه کند. آن منبری می‌خواست از این جمله رد شود و به جمله دوم رود و مرحوم میرزا گفتند هنوز حق این جمله ادا نشده است و تو می‌خواهی سراغ جمله دوم روی. اسارت خیلی مشکل بود اما بالاخره آن شهادت و آن اسارت تشیع را زنده کرد. در همان سال‌های اول بنی امیه را نابود کرد. معاویه چهل سال برای نابودی اسلام زحمت کشید اما بعد از شهادت امام حسین(ع) تضعیف عجیبی ایجاد شد و بعد از دو سه سال بنی امیه به طور کلی نابود شد یعنی آن چهل سال معاویه نابود شد، با شهادت امام حسین(ع) و اسارت عیال.

لذا خیلی کار کردند و اگر شهادت و اسارت نبود، الان نه تنها تشیع، بلکه اسلام نبود و به قول امام حسین: «وَعَلَى الْإِسْلَامِ السَّلَامُ». لذا خیلی کار شد. بعد هم این گریه و عزاداری‌ها خیلی عالیه است و این هم ادامه همان شهادت و اسارت است و خیلی روی آن سفارش شده است و خیلی ثواب بار بر آن شده است. و ثوابی بالاتر از این عزاداری‌ها نداریم. خیلی باید مواظب باشیم عزاداری‌های ما به فتاوی مراجع تقلید بخورد. برای اینکه شیطان بلکه شیطان انسی همین صهیونیست‌ها و امریکائی‌ها و دنیای استکباری، همین عزاداری‌های ما را بعضی اوقات مشوش می‌کنند و کاری می‌کنند که بتوانند دست بگیرند و بگویند ببینید شیعیان چه کار می‌کنند، یعنی عزاداری‌های را خدشه دار می‌کنند.

باید مواظب این باشید و الا عزاداری‌ها خیلی ثواب دارد. ثواب یک جلسه عزاداری از هر حج و عمره‌ای بالاتر است. در یک جلسه انسان بنشیند و برای امام حسین(ع) گریه کند و برای امام حسین(ع) عزاداری کند، از هر حج و عمره‌ای بالاتر است و از کربلا و از هرچه تصوّر کنید، بالاتر است. مواظب باشید این عزاداری‌ها آلوده نشود و مورد لطف امام حسین(ع) باشد. این عزاداری‌ها ادامه اسارت و شهادت است. شهادت چقدر منزلت دارد؟ اسارت چقدر کار کرده؟ این عزاداری‌ها همین مقدار کار کرده و توانسته تشیع را تا اینجا بیاورد و ما عقیده داریم و بزرگان عقیده دارند بالاخره همین شهادت‌ها به دست شیعه و به رهبری امام زمان پرچم اسلام را روی کره زمین افراشته خواهد کرد و عدالت اسلامی و اسلام عزیز سرتاسر جهان با حکومت اهل‌بیت(ع) و آن هم میلیون‌ها سال برجا می‌شود. ان‌شاءالله ما باشیم و ببینیم. لذا این عزاداری‌ها و چیزهایی که در این عزاداری‌ها هست یعنی توسل به امام حسین(ع) و توسل به زینب مظلومه و توسل به حضرت ابالفضل، خوب می‌تواند کار کند. اصلاً شیعه اگر توسل نداشته باشد، شیعه نیست. شیعه زنده به این شفاعت‌ها در قیامت و به این توسل‌ها در دنیا است. رنگ توسل که قرآن روی آن پافشاری دارد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ» [۳] ای شیعه حسابی و ای شیعه متقی! توسل داشته باش.

راجع به شفاعت نیز همین است. ما شیعیان به بهشت می‌رویم به خاطر شفاعت اهل‌بیت «سلام‌الله‌علیهم» است و بدانید این توسل‌ها و شفاعت‌ها خیلی کار می‌کند. باید خیلی به آن اهمیت دهیم.

مرحوم آیت الله دستغیب «ره» در یکی از کتاب‌هایشان یک جمله می‌نویسند. می‌فرمایند در شیراز «وبا» آمده بود و فوج فوج می‌مردند. یک آقای زن و دو سه فرزندش وبا گرفته بودند و دم مرگ بودند. همسایه روضه داشت و این آقا اول اذان صبح نماز خواند و به روضه رفت و توسل پیدا کرد به امام حسین برای نجات زن و بچه‌هایش. مرحوم آقای دستغیب می‌گویند وقتی به خانه آمد، دید زن و بچه سر سفره نشسته‌اند و صبحانه می‌خورند. یکی از دخترها حال کشف و مکاشفه را دیده بود و به پدرش گفته بود حضرت زهرا آمدند و سیاهپوش بودند و پنج تن آل عبا بودند و سیاهپوش بودند. حضرت زهرا به امام حسین گفتند روی سر اینها دست بکش تا خوب شوند. امام حسین هم روی سر همه دست کشید و خوب شدند و اما روی سر خانم دست نکشید. حضرت زهرا فرمودند روی سر خانم هم دست بکش و امام حسین فرمودند این خانم نماز نمی‌خواند و من دست روی سرش نمی‌کشم. حضرت زهرا یک جمله گفتند و امام حسین را مجبور کردند که دست روی سر او هم بکشد. فرمودند ای حسین! شوهرش الان توسل به تو پیدا کرده است و در جلسه روضه و عزاست. امام حسین هم دست روی سر مادرم کشید و خوب شد.

اینگونه توسل‌ها می‌خواهیم. ان‌شاءالله ریشه داعشی و صعودی و ریشه تروریسم و ریشه این صهیونیست‌ها و استکبار جهانی کنده شود. و من تقاضا دارم در این چند روز خیلی مواظب باشید. معلوم است که ثوابش هم خیلی بالاست که شما با دعا و توسل بتوانید قضیه داعشی‌ها را ریشه کن کنید و این با توسل و شفاعت می‌شود. نگویید که دعای من چه کاری می‌تواند بکند و نگویید دعاها مستجاب نمی‌شود، به راستی اگر جداً توسل در کار آمد، مثل همین قضیه‌ای است که گفتم.

یکی از آقایانی که من خیلی به او ارادت دارم و شاید در جلسه باشد، در اربعین امسال می‌خواست به کربلا رود، اما یک غده در پایش بود و اصلاً نمی‌توانست راه برود. دکترها گفته بودند باید این غده را درآوری. اما این آقا دیده بود که زیارت اربعین جلو آمده و نمی‌شود که نرود. پیش من آمد و گفت این غده به پایم هست و چه کنم و نمی‌شود به کربلا روم و اگر بروم نمی‌توانم راه بروم. من گفتم به کربلا برو و پایت را به در و دیوار حرم امام حسین بمال و آنگاه خوب می‌شوی. ایشان همین کار را کرده بود و پیاده از نجف به کربلا آمد و هیچ اثری هم از آن غده نیست. اینها زیاد است و کتاب‌ها درباره‌اش نوشته شده و حرف‌هایی درباره‌اش زده شده است.

خدا رحمت کند درجانش عالیست، عالی‌تر، مرحوم آیت الله مرعشی مریض بودند و به من می‌گفتند هر وقت مرضم عود کند با تلاطمی به حسینیّه می‌روم و در آنجا شالم را به منبر می‌بندم و به منبر دخیل می‌شوم و آنگاه خوب می‌شوم و به خانه می‌آیم. چنین عقایدی داعش را نابود می‌کند. چنین توسل‌هایی ما را سرافراز می‌کند و ما را با افتخار می‌کند.

من در زمان طلبگی دل دردی داشتم که خیلی شدید بود و تناوبی هم بود. دل شدید درد می‌گرفت و مرا از کار می‌انداخت و در شبانه‌روز دو سه بار اینگونه بود و خیلی ضرر به درس و بحث می‌زد. دههٔ محرم از قم به اصفهان آمده بودم و به روضه رفتم. همسایه ما روضهٔ خوبی داشت و به روضه رفتم و در روضه حالی پیدا کردم و برای امام حسین گریه کردم و الهامی به من شد و این الهام از امام حسین است. الهام برایم پیدا شد که این اشک تو شفای دل توست. من همان وقت مقداری اشک گرفتم و سر دلم مالیدم، من از آن موقع تا حال دل درد ندیده‌ام. آن دل دردی که همهٔ دکترها از آن عاجز شده بودند در تهران و قم و اصفهان، اما با دو سه اشک در مالیدن جای درد، خوب شد.

من از همه و مخصوصاً جوان‌ها تقاضا دارم که ان‌شاءالله این مصیبت بزرگی که جلو آمده و اسلام عزیز در مخاطره واقع شده، در این دو سه روز توسل به امام حسین و حضرت ابالفضل داشته باشید.

یک نفر اهل دلی در مشهد بود به نام آقای مَلائی. شاید کسانی که در جلسه هستند، این آقا را دیده بودند. افغانی بود اما عالی بود. می‌گفت وقتی در نجف طلبه بودم، تب لازم گرفتم. آنوقت‌ها تب لازم بود که خوب نمی‌شد و انسان را از پا می‌انداخت. می‌گفت این تب مرا از پا انداخت. پنجشنبه و جمعه بود و رفقا می‌خواستند بروند نزد حضرت حُرّ و آنجا زیارت کنند و بعد هم تفریح کنند. مرا به دوش گرفتند و بردند. مرا گوشه حرم حضرت حُرّ گذاشتند و به دنبال بازی رفتند. ناگهان دیدم زن عربی یک بچه فلج آورد و بچه را به ضریح حضرت حُرّ بست و آن ختمی که برای حضرت ابالفضل است، برای حضرت حُرّ خواند و گفت «یا کاشف الکرب عن وجه الحسین اکشف کربی بحق مولاک الحسین»، ای کسی که غم و غصه را از دل امام حسین بردی با اسلام و با شهادتت، غم و غصه را از دل من ببر.

مرحوم آقای مَلائی گفت ناگهان دیدم بچه بلند شد و در دل مادر آمد. مادر تعجب نکرد زیرا حضرت حُرّ است و مربوط به امام حسین است و بچه خوب می‌شود. بچه را برداشت و سری برای حضرت حُرّ تکان داد و تشکری از حضرت حُرّ کرد و رفت. بر من نیز الهام شد که چنین کاری کنم. نمی‌توانستم بلند شوم لذا غلطان غلطان از پیش دیوار تا ضریح حضرت حُرّ آمدم. یک شبکه را گرفتم و گفتم یا کاشف الکرب عن وجه الحسین اکشف کربی بحق مولاک الحسین. ای کسی که غم و غصه را از دل امام حسین بردی با شهادتت و با توبه که توبه دل امام حسین را راضی می‌کند. جوان‌ها! دل امام حسین با توبه راضی می‌شود.

بار اول و دوم و سوم گفتم و ناگهان دیدم بدنم داغ شد و می‌توانم بلند شوم و راه روم. از حرم حُرّ بیرون دویدم و دیدم طلبه‌ها تفریح می‌کنند و من داد زدم که مرا شفا دادند. طلبه‌ها دیدند حضرت حُرّ مرا خوب کرده است.

در این دو سه روز خیلی کار می‌توانید بکنید. ایام عید است و اینها می‌خواهند عید ما را عزا کنند و کربلا را بگیرند. مثل همین صعودی‌ها که چند سال قبل که اول حکومتشان بود به کربلا آمدند و کربلا را تخریب کردند و ضریح مطهر را تخریب کردند و گنبد را نیز خراب کردند و کربلا را نابود کردند و فرار کردند. حال توسل و دعا و رابطه با امام حسین باید اینها را نابود کند. به راستی با امام حسین آشتی کنیم.

پی نوشتها؛

[۱]. اللهوف، ص ۲۴.

[۲]. ر. ک: اندیشه‌های ناب: دفتر سوّم: فضائل و قیام امام حسین «علیه‌السلام»، ص ۵۵.

[۳]. مائده، ۳۵: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا پروا کنید؛ و به او [توسل و] تقرب جویید»